

تأثیر جهانی شدن بر خاص‌گرایی‌های قومی در خاورمیانه (مطالعه موردی: ترکیه، عراق و سوریه)

محمدتقی قزلسفلی^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

اکبر حبیبی رضی آباد

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۵ - تاریخ تصویب: ۹۴/۱۲/۳)

چکیده

جهانی شدن به‌مثابه دگرگونی در سازمان فضایی و روابط فرهنگی و اقتصادی، و با فرایندهای دراز دامن سیاسی و اقتصادی با نوعی از جاکنندگی مترتب بر خود، آثار شایان توجهی در مناطق جهان به‌ویژه خاورمیانه به‌جای گذاشته است. هدف از این پژوهش پاسخ به این پرسش اصلی است که جهانی شدن چگونه موجب تقویت و تعمیق خاص‌گرایی‌های قومی در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه شده است؟ براساس یافته‌های این پژوهش، پاسخ این پرسش در سه بخش: ۱. تضعیف حاکمیت‌های ملی؛ ۲. تشدید تنش‌های سیاسی و قومی؛ و ۳. هژمونی فرهنگی - خاص‌گرایی فرهنگی دسته‌بندی شده است. این مقاله از چارچوب نظری «خاص‌گرایی قومی» بهره برده و به روش توصیفی تحلیلی با سویه انتقادی به نگارش درآمده و روش گردآوری مطالب استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌های اینترنتی است.

واژگان کلیدی

ترکیه، جهانی‌شدن، خاص‌گرایی قومی، خاورمیانه، سوریه، عراق، هژمونی فرهنگی.

مقدمه

وقوع تحولات تکنولوژیکی و پیشرفت سریع ارتباطات که به تغییر مفهوم سنتی زمان و مکان منجر شده و به نوعی ماهیت مرزهای ملی را تغییر داده و در نتیجه به افزایش خودآگاهی جوامع بشری منجر شده است، نوید عصری جدید را می‌دهد که طی آن تمامی جوانب زندگی بشر تغییر می‌کنند یا متأثر می‌شوند. از این رو جهانی شدن را اندیشمندان حائز جوانب متعددی می‌دانند که بر تمامی این جوانب تأثیر می‌نهد. یکی از جنبه‌های متأثر از جهانی شدن، قومیت و به طور واضح گروه‌های قومی است. با توجه به اینکه مفهوم قومیت و تعاریف آن متأثر از تشدید تنش‌های قومی به‌ویژه از اواسط قرن بیستم اهمیت زیادی یافته است و روزبه‌روز شاهد افزایش و برجسته‌تر شدن این درگیری‌های قومی هستیم، درگیری‌های قومی که از یک سو نوعی واکنش به وضع تحمیل شده به اقوام از سوی حکومت‌ها و قدرت‌های دیگر است، از سوی دیگر متأثر از آگاهی نخبگان قومی در زمینه تغییرات به‌وجودآمده در جهان مدرنیزه‌شده امروزی و به‌ویژه پس از ظهور پدیده جهانی شدن به‌عنوان عاملی تأثیرگذار است. از جمله مناطقی که تنوع قومی بسیاری دارد، منطقه خاورمیانه است. منطقه خاورمیانه به دلیل برخورداری از تنوع بالای قومی، نژادی و تبار بلند تاریخی و دینی، گویی محکوم به فشرده‌گی در عین حال پیچیدگی سیاسی و فرهنگی است.

مسئله جهانی شدن و قومیت‌های ساکن در خاورمیانه بیشتر از آن‌رو اهمیت می‌یابد که علاوه بر اینکه این منطقه تنوع قومی و مذهبی بسیاری دارد، ساختگی بودن غالب کشورهای این منطقه را نیز باید در نظر گرفت. از آنجا که دولت‌های مدرن در خاورمیانه از زمان تأسیس هیچ‌گاه نتوانستند با مسئله اقوام به‌صورت مسالمت‌آمیز کنار آیند و دائم نزاع‌های قومی از ویژگی‌های مهم این منطقه محسوب می‌شد، با شروع پدیده جهانی شدن و تضعیف قدرت دولت ملی و در نوردیده شدن مرزهای ملی به‌واسطه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی که به افزایش آگاهی گروه‌های قومی در زمینه حفظ ارزش‌های فرهنگی خود در قبال هر عامل تهدیدکننده منجر شد، در این میان گروه‌های قومی موجود در کنار رد سیاست‌های ملی‌گرایانه دولت‌های خود، در قبال فرهنگ عام جهانی شدن دست به واکنش می‌زنند. از جمله کشورهای این منطقه که از زمان تأسیس وضعیت آشفته و تنش‌زایی را در مواجهه با اقلیت‌های قومی تجربه کرده، ترکیه، عراق و سوریه است؛ هر سه کشور مذکور امروزه نیز در مواجهه با اقوام وضعیت آشفته‌ای دارند و از دهه ۹۰-۱۹۸۰م که به اصطلاح آغاز عصر جهانی شدن است، شاهد احیای تنش‌های قومی در این سه کشور هستیم که تهدیدی اساسی بر حاکمیت مرکزی به‌شمار می‌آیند.

نویسندگان این پژوهش درصدد پاسخ به پرسش‌های زیرند: جهانی شدن‌های اقتصادی و فرهنگی چگونه موجب تقویت و تعمیق خاص‌گرایی‌های قومی در منطقه خاورمیانه (ترکیه، عراق و سوریه) می‌شود؟ پیامدهای این ستیزهای خشونت‌بار چه تأثیراتی بر ساختار سیاسی و اجتماعی آنها دارد؟

۱. جهانی شدن

جهانی شدن تعریف مشخصی ندارد و هر پژوهشگری با توجه به برداشت خود به تعریف این فرایند پرداخته است. این ایده به دلیل ظرفیتش برای آفرینش حدس و گمان‌ها، فرضیه‌ها، تصویرها و استعاره‌های اجتماعی نیرومندی که از واقعیت‌های اجتماعی محض بسی فراتر می‌روند، مفهوم فوق‌العاده خلاقیتی دارد (تاملیسون، ۱۳۸۱: ۱۵). اما در مورد اینکه این واژه از چه زمانی به کار رفت، باید گفت اصطلاح جهانی شدن اولین بار در سال ۱۹۶۱م، وارد فرهنگ انگلیسی وبستر شد و برای توصیف ارتباط رویدادهای اجتماعی و روابط بین آنها به کار رفت. ولی تعریف این واژه چندان تغییر وسیعی نکرد. تا اینکه نظریه‌پرداز بزرگ بریتانیایی، دیوید هلد^۱ تعریف وسیعی از این واژه به عمل آورد: «جهانی شدن بهترین نوع فهم از یک پدیده فضایی امتدادیافته در یک زنجیره محلی و جهانی است. این نشان‌دهنده تغییر در سازمان انسانی و فعالیت‌های قاره‌ای و بین‌منطقه‌ای و تعامل و اعمال قدرت آنهاست». جهانی شدن امروزه بیانگر دو پدیده متمایز است: اول، به فعالیت‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی در وسعت منطقه‌ای و دوم، به تشدید مرحله‌ای از تعامل و ارتباط درون و بین دولت‌ها و جوامع اشاره دارد (Wunderlich, Warriar: 2009: 4). رابرت جی ساموئلسون^۲ نیز به تعریفی شبیه تعریف هلد از این فرایند می‌پردازد؛ وی جهانی شدن را به شمشیر دولبه‌ای تشبیه می‌کند که از یک سو افزایش رشد اقتصادی، گسترش فناوری‌های جدید به منظور افزایش استاندارد زندگی در کشورهای غنی و فقیر را فراهم می‌آورد و از طرف دیگر، موجب تضعیف حاکمیت ملی شده، فرهنگ بومی و سنتی را تغییر می‌دهد و جریان‌هایی را که تهدیدی برای ثبات اقتصادی و اجتماعی‌اند، تقویت می‌کند (Şimşek, Iğaz, 2010: 189).

این شکل نوین سازمان اجتماعی با جهان‌شمولی فراگیر خود در سراسر کره خاکی منتشر می‌شود و همان‌طور که سرمایه‌داری صنعتی و دشمن همزاد آن یعنی دولت‌سالاری صنعتی در قرن بیستم جهان را زیرورو کردند، این سازمان اجتماعی نوین نیز نهادهای اجتماعی را به لرزه درمی‌آورد، فرهنگ‌ها را دگرگون می‌سازد، ثروت می‌آفریند و فقر به دنبال می‌آورد. حرص و آز

1. David held

2. Robert. j. Samuelsson

و نوآوری و امید برمی‌انگیزد، اما مرارت‌ها و سختی هم دارد و ناامیدی نیز در کام زندگی می‌ریزد، به هر حال، خوب یا بد، این دنیایی تازه است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۷).

۲. خاص‌گرایی قومی

فرایند جهانی شدن نه تنها نوعی همگونی و ادغام فرهنگی دارد، بلکه اسباب تنوع، واگرایی و رستاخیز فرهنگی را هم فراهم می‌کند. خاص‌گرایی فرهنگی را می‌توان توسل به عناصر هویت‌بخش فرهنگی خاص دانست که در آن بر بی‌همتایی شیوه‌ها، اعمال و ایده‌های گروهی از جماعت معین تأکید می‌شود. خاص‌گرایان فرهنگی، دیدی انتقادی به وضع موجود دارند، در عین حال که فرصت‌ها و امکان‌های فرهنگی ناشی از فرایند جهانی شدن را هم به فال نیک می‌گیرند. ولی بسیاری از گروه‌های خاص‌گرا کل فرایند جهانی شدن یا بخشی از آن را با عنوان و عبارت‌های متفاوت رد می‌کنند. از دیدگاه آنها جهانی شدن نه تنها تهدیدی جدید به‌شمار می‌آید، بلکه فرایندی گریزناپذیر و برگشت‌ناپذیر هم نیست. دسته‌ای از این خاص‌گرایان، خاص‌گرایی‌های قومی‌اند. این خاص‌گرایی‌ها در شرایط متنوعی پدیدار می‌شود و اشکال گوناگونی دارند. گوناگونی نشانه‌های فرهنگی و اهداف متفاوت بسیج قومی دیگر ویژگی‌های این گونه خاص‌گرایی‌ها به‌شمار می‌آید. خاص‌گرایی قومی علاوه بر واکنش به استحاله در فرهنگ عام جهانی، در غالب موارد معترض وضعیت موجود نیز است. برخی جنبش‌ها استقلال فرهنگی می‌خواهند و برخی در جست‌وجوی حقوق برابر در درون نظام سیاسی غالب‌اند. به هر حال در همه موارد، این جنبش‌ها نموده‌های برجسته هویت گروهی و میل به توزیع عادلانه‌تر منابع سیاسی و اقتصادی هستند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۴۵).

از آنجا که برقراری نسبت میانی آثار فرامرزی جهانی شدن و واکنش‌های خاص‌گرایانه نیازمند ارائه شواهد و قرائن عینی است، در این مقاله به مثال‌های موردی در ارتباط با سه کشور ترکیه، عراق و سوریه اشاره می‌شود. پیش از آن نیازمند تمهید نظری برای متغیر جهانی شدن هستیم.

۳. خاص‌گرایی‌ها در مواجهه با جهانی شدن؛ یک چارچوب نظری

از دیدگاه متفکرانی چون رابرتسون^۱، گیدنز^۲، کاستلز^۳، استوارت هال^۴، بنیامین باربر^۵ و برخی دیگر جهانی شدن از یک سو یکپارچگی را تشدید می‌کند و در عین حال به تجهیز هویت‌های

1. Roland Robertson
2. Anthony Giddens
3. Manuel Castells
4. Stuart Hall
5. Benjamin Barber

قومی و تقویت خاص‌گرایی‌های قومی می‌پردازد. گیدنز یکی از ویژگی‌های متمایز تجدد را تأثیرات متقابل فزاینده بین دو حد نهایی برون‌مرزی و درون‌مرزی یا به عبارت دیگر بین تأثیرات جهانی از یک سو و گرایش‌های درونی از سوی دیگر می‌داند (گیدنز و برد، ۱۳۸۷: ۱۵). به عبارتی این پدیده به واسطه تحول و پیشرفت شگفت‌آور فناوری‌های ارتباطی و حمل‌ونقل با ادغام تمامی مرزهای انسانی به گسترش فضای اجتماعی یاری می‌رساند. در نتیجه این تحولات برخی فرهنگ‌ها برای گریز از ادغام شدن در فرهنگ جهانی درصدد برمی‌آیند تا با ایجاد فضای بسته مرزهای درونی خود را از ادغام شدن در فرهنگ جهانی دور نگه‌دارند و به نوعی با حمایت از موقعیت محلی خود از آن در برابر هجوم فرهنگ جهانی شدن دفاع کنند. همچنین باید افزود که خاص‌گرایی با تأکید بر محل و سرزمین معین بر تمایز، تفاوت و شفاف کردن مرزها می‌پردازد و به نحوی به ایجاد فضای بسته فرهنگی می‌پردازد، چراکه نسبت فرهنگی را که حاصل عام‌گرایی فرهنگی است، قبول ندارد. احیای فضای بسته فرهنگی برای خاص‌گرایان از آنرو اهمیت دارد که می‌خواهند درون این فضا را از سنت و فرهنگ‌های خاص خود جدا کنند. در دنیای امروز خاص‌گرایی‌های بسیار گوناگونی وجود دارد و در حوزه‌های مختلف دینی، زبانی و قومی چه در جوامع توسعه‌یافته و چه در جوامع توسعه‌نیافته شکل می‌گیرند.

رولند رابرتسون با نقد و بررسی پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه فرایند جهانی شدن، مفهوم جهانی شدن را مناسب‌ترین مفهوم برای درک این فرایند می‌داند. رابرتسون برعکس این عقیده که جهانی شدن در وسیع‌ترین معنای کلمه؛ یعنی فشرده و جمع شدن جهان که همواره متضمن خلق و جذب امر محلی بوده و است، توجهش را معطوف به درک معنای دو روند به ظاهر مخالف یعنی جهانی شدن - محلی شدن کرده است. بر این اساس عام‌گرایی‌ها توأم با نوعی خاص‌گرایی همسو شده‌اند. شاید نزدیک‌ترین مثال و قرینه برای چنین حالتی، موضع‌گیری آگوستین در زمینه حکومت‌های زمینی و الهی است که بر آن بود تا جهانی باقی است، این دو دوش به دوش هم خواهند بود. در زمینه عام‌گرایی و خاص‌گرایی در جهانی شدن باید گفت که یکی درصدد همگونی‌سازی است و دیگری برای ناهمگونی‌سازی تلاش می‌کند. از نظر رابرتسون این دو روند همزمان، در تحلیل نهایی مکمل یکدیگر و درون پیوسته‌اند. هرچند در وضعیت‌هایی مسلماً می‌توانند با هم تصادم کنند و به واقع هم می‌کنند (رابرتسون، ۱۳۸۸: ۲۳۳-۲۳۲).

استوارت هال نیز دیدگاهی مشابه رابرتسون دارد؛ از نگاه وی، بازگشت به موقعیت محلی، نوعاً واکنش به کنش جهانی شدن است، واکنشی که مردم در رویارویی با شکلی خاص از روند مدرن‌سازی نشان می‌دهند و می‌کوشند از آن کناره بگیرند، با این استدلال که «ما چیزی

درباره آن نمی‌دانیم و قادر به مهار آن نیستیم. سیاستی را که بتواند بر آن مسلط شود نمی‌شناسیم». این روند بسیار قدرتمندتر و فراگیرتر است. همه چیز به سمت آن میل می‌کند و در این میانه معدود عرصه‌هایی باقی مانده است؛ شکاف‌هایی کوچک که به‌ناچار باید در محدوده آنها فعالیت کنیم (هال، ۲۵۵: ۱۳۸۸). این معدود عرصه‌های باقی‌مانده از ادغام، خاص‌گرایی‌های فرهنگی نامیده می‌شود که در واکنش به عام‌گرایی حاصل از جهانی شدن شکل می‌گیرند و چنانکه هال در جای دیگری می‌آورد: آنچه به‌طور معمول امر جهانی می‌نامیم، به‌هیچ‌وجه پدیده‌ای نیست که به‌نحوی نظام‌مند به همه چیز اعمال شود و آنها را مشابه هم سازد. در واقع جهانی شدن از طریق خاص‌گرایی عمل می‌کند؛ فضاهایی خاص و قومیت‌هایی خاص به‌وجود می‌آورد؛ هویت‌های خاص را بسیج می‌کند و غیره. از این رو بین امر محلی و امر جهانی، همواره جدال برقرار است (هال، ۱۹۹۱: ۶۲، به نقل از استوری، ۱۳۸۸: ۳۱۷).

از جمله محققان برجسته‌ای که اثری شایسته در این زمینه دارد، مانوئل کاستلز است. کاستلز در جلد دوم کتاب *جامعه شبکه‌ای عصر اطلاعات*، به‌صورت بسیط خاص‌گرایی‌های فرهنگی را در عصر جهانی شدن توضیح داده است. از نگاه وی هویت برساختن فرهنگی معنا توسط کنشگر اجتماعی است؛ این کنشگر می‌تواند اجتماعی یا سازمانی و شرکتی باشد (اینس، ۱۳۸۴: ۱۰۲). به‌عبارتی کاستلز بر این باور است که تمام هویت‌ها برساخته می‌شوند و برای ساختن هویت‌ها از مواد و مصالحی مانند تاریخ، جغرافیا، زیست‌شناسی، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره جمعی، رؤیاهای شخصی، دستگاه قدرت و الهامات دینی استفاده می‌شود. اما افراد، گروه‌ها و جوامع، این مواد خام را می‌پروراند و معنای آنها را مطابق با الزامات اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی که در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی و مکانی آنها ریشه دارد، از نو تنظیم می‌کنند (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۵).

کاستلز در تعریف خود از هویت در عصر جهانی شدن از سه نوع هویت با عنوان هویت مشروعیت‌بخش، هویت برنامه‌دار و هویت مقاومت یاد می‌کند. هویت مشروعیت‌بخش توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند؛ هویت برنامه‌دار مانند فمینیسم هنگامی شکل می‌گیرد که کنشگران اجتماعی با استفاده از مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترسی، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کنند و به این ترتیب در پی تغییر در شکل کل ساخت اجتماعی‌اند. هویت مقاومت که از نظر کاستلز مهم‌ترین شکل هویت در عصر جهانی شدن است، توسط کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع، احوال و شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق سلطه، بی‌ارزش دانسته می‌شوند یا داغ‌ننگ بر آنها زده می‌شود. از همین روی سنگرهایی برای

مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد یا اصول مورد حمایت نهادهای جامعه ساخته می‌شود.

نکته شایان توجه در پژوهش حاضر که به لحاظ نظری واکاوی می‌شود، این است که متعاقب آغاز عصر جهانی شدن و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱م، شاهد خیزش و احیای هویت‌های قومی در اقصی نقاط جهان هستیم. در واقع با پیشرفت سریع و روزافزون فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی عصر جهانی شدن که به افزایش خودآگاهی جوامع بشری پیرامون مباحث هویتی و حفظ ارزش‌های فرهنگی منجر شده، به‌نوعی با اهمیت یافتن عناوینی مانند دموکراسی و حقوق بشر که به پشتوانه تقویت افکار عمومی در همه جای این جهان شده است، از سوی دیگر با بسط فرهنگ عام جهانی شدن که به نفع ترویج فرهنگ عام‌گرایانه با محوریت فرهنگ غربی و آمریکایی است، جوامع قومی در راستای حفظ ارزش‌های خود از گزند فرهنگ عام جهانی شدن دست به واکنش می‌زنند و به‌نوعی درصدد حفظ فرهنگ خاص خود از این گزند هستند. در این پژوهش با الهام از آثار متفکرانی چون گیدنز، کاستلز، رابرتسون، هال و ... که با عناوین مشابهی چون جهانی محلی شدن در آرای رابرتسون یا هویت مقاومت در آرای کاستلز و ... به آن پرداخته شده، این فرضیه آزمون می‌شود که جهانی شدن به تعمیق و تقویت خاص‌گرایی‌های قومی در خاورمیانه منجر می‌شود، و از آنجا که منطقه خاورمیانه تنوع قومی بسیاری دارد، فرضیه مطرح‌شده در مطالعه با اقوام ساکن در سه کشور خاورمیانه‌ای ترکیه، عراق و سوریه مورد راستی‌آزمایی قرار می‌گیرد.

۴. عوامل تشدید خاص‌گرایی قومی در خاورمیانه

چنانکه اشاره شد خاص‌گرایی‌های قومی حاصل تهدیدی است که از سوی فرایند جهانی شدن در راستای ادغام جوامع و فرهنگ‌ها به‌وجود آمده است. اما قومیت‌های ساکن در خاورمیانه با توجه به اینکه بر پایه دستاوردهای تکنولوژیکی چون اینترنت و رسانه‌های جمعی در دهه‌های اخیر توانسته‌اند تا خود را در معرض عموم قرار دهند و به‌نحوی به جلب افکار عمومی جهانی در راستای احیای حقوق ضایع شده خود برآیند و در مقابل جهانی شدن به‌عنوان عاملی که درصدد ترویج یک فرهنگ جهانی است واکنش نشان داده، درصدد حفظ هویت خود می‌باشند و از آنجا که هم پدیده جهانی شدن و هم موضوع قومیت‌ها از چالش برانگیزترین مباحث در جهان امروزی هستند، به‌عبارت دقیق‌تر اگر در نیمه نخست قرن بیستم، چالش‌هایی چون استبداد اکثریت، خطر دخالت بیش از پیش دولت، نگرانی از تحریف دموکراسی از سوی ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه و برخی عوامل دیگر سبب شکنندگی دموکراسی می‌شد، در نیمه دوم موضوعات جدی‌تری فراروی دموکراسی بود، از جمله سیاست هویت‌های متکثر قومی و

جنسی و اهمیت یافتن مجدد جامعه مدنی و لزوم گسترش مفهوم شهروندی به سطح جامعه تا بدیل‌هایی دیگر برای دموکراسی لیبرال در نتیجه روندهای جهانی‌ساز مثل دموکراسی گفت‌وگویی و دموکراسی جهانشمول (فزلسلی، ۱۳۹۳: ۲۲۷). با تشدید فرایند جهانی شدن از سال ۱۹۹۱م، مصادف با شکست اردوگاه سوسیالیسم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و متعاقب آن وقوع نزاع‌های قومی و تشدید روزبه‌روز این کشمکش‌ها، توجه به مباحث در زمینه قومیت‌ها در عصر جهانی شدن افزایش یافت.

با لحاظ یادآوری این پرسش اصلی که جهانی شدن چه آثاری بر موقعیت سیاسی و فرهنگی این منطقه دارد؟ می‌توان به چند گزینه برای اثبات این مفروضه اشاره داشت که ابتدا به بررسی تضعیف حاکمیت ملی در منطقه خاورمیانه با مطالعه موردی روی سه کشور خاورمیانه‌ای ترکیه، عراق و سوریه در عصر جهانی شدن و متأثر از این فرایند می‌پردازیم.

۴.۱. تضعیف حاکمیت ملی

فرایند جهانی شدن مسائل اجتماعی که به نظر پیامد تولید و مصرف بی‌وقفه و بی‌انگیز جنبه تاریک تجدد است، ناکارآمدی دولت ملی و سازمان سیاسی مبتنی بر آن را آشکار می‌کند. در چارچوب دنیایی درهم تنیده که بخش‌های مختلف آن وابستگی عمیق و گسترده‌ای با یکدیگر دارند، اراده ملی به‌تنهایی از عهده درک و حل بسیاری از مسائل زندگی اجتماعی بر نمی‌آید. مسائل جهانی راه‌حل‌ها و تدبیرهای جهانی می‌طلبد و دستیابی به چنین راه‌حل‌ها و تدبیرهایی هم مستلزم شکل‌گیری و اقدام نهادهای فراملی، بین‌المللی و جهانی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۹۲). تضعیف حاکمیت ملی در اثر گسترش ارتباطات جهانی به‌واسطه پیشرفت‌های فنی، افزایش اهمیت نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی و مالی چندملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی، به‌عنوان اجزای اصلی فرایند جهانی شدن رخ می‌دهد، در نتیجه دایره اختیار و حاکمیت ملی را در حوزه اقتصاد و در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی محدود می‌سازد. روی هم‌رفته توده شایان ملاحظه‌ای از اقتدار در سطح جهانی و بین‌المللی در حال تکوین و تشکیل است که خواه‌ناخواه به اقتدار سنتی دولت‌های محلی آسیب می‌رساند. در نگاهی کلی، پیش از تشدید روند جهانی شدن، به‌دلیل حاکم بودن فضای ایدئولوژیک جنگ سرد، بسیاری از دولت‌های ضعیف و آسیب‌پذیر، یا در سایه ایدئولوژی یا نبودن بستر و شرایط ایجادکننده افتراق، ساختار حاکمیت ملی را حفظ می‌کردند، حال در موقعیت ناشی از تشدید روندهای جهانی شدن، مرزهای ملی در تداخل ناشی از این روندها قرار گرفته است که این‌گونه دولت‌ها نه تنها نمی‌توانند جایگاه مناسبی را در هرم قدرت در سطح بین‌المللی کسب کنند، بلکه حتی ممکن است با بروز شکاف‌های گسترده اجتماعی در

داخل مرزهای ملی خود، همبستگی و یکپارچگی درونی خود را نیز از دست بدهند. در این تحول، با افزایش تعلقات قومی گروه‌های اقلیت قومی و پیوند آنها با هم‌نوعان خود در خارج از مرزهای ملی، دولت‌ها به شدت، در منازعات قومیت‌ها و مطالبات حداکثری آنها درگیر می‌شوند. در خاورمیانه این تحولات اهمیت دوچندان دارد، چراکه ساختگی بودن غالب کشورها بدون در نظر گرفتن ترکیب قومی این کشورها، که در راستای حفظ منافع کشورهای برتر شکل گرفت و به دنبال آن ضعف جامعه مدنی و روی کار آمدن حاکمیت‌های مستبد متکی بر قدرت رانت، هیچ وقت اجازه آشکار شدن حقایق اوضاع را به شفاف‌سازی عصر جهانی شدن نداده بود و چنانکه اشاره شد، با تضعیف حاکمیت ملی در این عصر و تشدید آگاهی و تسهیل در امر یادگیری و ارتباطات که دیگر خارج از دست حاکمیت صورت می‌گیرد، ضربات کوبنده‌ای بر پیکره حاکمیت‌ها در این منطقه وارد شده است. نمونه واضح این معنا موقعیت کشور ترکیه است، که به بهبود اوضاع سیاسی اجتماعی کردها به‌عنوان دومین گروه قومی در این کشور منجر شد. افزایش مطالبات کردها که متعاقب تشدید آگاهی این قوم به وجود آمده بود، شدت خود را در انتخابات مجلس ۱۹۹۱م، نشان داد و آن زمانی بود که مردم کُرد در ترکیه به دستور حزب «پ.ک.ک» اکثر آرای خود را به صندوق حزب مردم کارگر که حزبی کُردی بود، ریختند. به‌طور مثال در استان شیرناک ۷۰ درصد آرا نصیب حزب مردم کارگر شد. متعاقب این اقدام کردها، رهبران احزاب «راه حقیقت» و سوسیال‌دموکرات یعنی سلیمان دمیرل و اردل اینونو بلافاصله پس از انتخابات به جنوب شرق ترکیه رفتند و قول دادند که از حقوق بشر حمایت کنند. این اقدام نخستین عقب‌نشینی بزرگ برای رهبران ترکیه بود. در عرصه مبارزه اینک مسلم بود که نیروهای مسلح به سرعت اختیار بر مردم را از دست می‌دهند. چشم‌انداز سیاسی دیگر تغییر کرده بود (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۶۷۶-۶۶۵).

نمونه دیگری که می‌توان برای تضعیف حاکمیت ملی در عصر جهانی شدن مثال آورد، اعتراضات گسترده کردهای ترکیه ساکن در اروپاست؛ کردها در اعتراض به دستگیری عبدالله اوچالان توسط سرویس اطلاعاتی ترکیه در نایروبی در سال ۱۹۹۹م، اعتراضات وسیعی را در اروپا به راه انداختند. اخبار بی‌بی‌سی در آلمان هزاران نفر از کردها را نشان می‌داد که در خیابان‌ها با هم فریاد می‌زدند^۱ "Biji Serok Apo- Biji Serok Apo" (Mutlu, 2007: 119). مسئله شایان توجه، سازماندهی فوری این اعتراضات بود که ناشی از استفاده از ابزار ارتباطی چون رسانه و اینترنت است که از طریق این ابزار توانستند جمعیت پراکنده و گسترده کردها در اروپا را به‌منظور اعتراض به دولت ترکیه جمع‌آوری کرده و توجه جامعه جهانی را به اوضاع خود

۱. زنده باد رئیس اوچالان

جلب کنند و این جریان علناً تضعیف حاکمیت ملی را نشان داد، چراکه این بار دولت ترکیه نتوانست مانع تجمع این افراد شود. حتی پس از دستگیری رهبر این حزب (عبدالله اوجلان)، توسط دستگاه امنیتی ترکیه در سال ۱۹۹۹م در نایروبی، با اینکه دادگاه ترکیه حکم اعدام اوجلان را صادر کرده بود، به دلیل حساسیت افکار عمومی به خصوص کردهای ساکن اروپا، و فشارهای اتحادیه اروپا مبنی بر عدم اجرای این حکم، به تقلیل مجازات اوجلان از اعدام به حبس ابد منجر شد.

این روند در مورد اوضاع سیاسی عراق نیز صدق می‌کند و چنانکه کمپ و هارکاوی اظهار می‌کنند، انقلاب ارتباطات و گسترش شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی تأثیر زیادی بر رفتار و منش‌های سیاسی کردهای عراق داشته است. اساسی‌ترین واقعیت این است که توسعه سیستم‌های ارتباطی برای جوامع بسته این امر را بسیار دشوار خواهد ساخت که این‌گونه جوامع در عین حال که مایل‌اند بخشی از اقتصاد جهانی به‌شمار آیند، مانع دسترسی شهروندان خود به اطلاعات سانسورنشده شوند (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۳۴۲). امروزه دستاورد کردها در قانون اساسی عراق علاوه بر سهم شدن در قدرت، توانمندی رسانه‌ای حکومت منطقه‌ای کردستان در بعد جهانی (شبکه‌های ماهواره‌ای)، به‌همراه هزاران وب‌سایت کردی، انتشار بیش از ۴۰۰ مجله که شامل ۱۰۳ روزنامه نیز می‌شود، وجود چهارده دانشگاه و در نهایت مشارکت کردها در اداره حکومت مرکزی، بر توان تأثیرگذاری فرهنگی کردستان عراق بر پیرامون افزوده است (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

در سوریه نیز تضعیف حاکمیت ملی از طریق استفاده اقلیت‌های قومی مانند کرد، ترکمن و... از رسانه‌های ارتباطی حاصل عصر جهانی شدن نمود یافت. نمود واضح تضعیف حاکمیت ملی در سوریه در سال ۲۰۱۲م رخ داد که طی آن بهار عربی که در سال ۲۰۱۱م، از تونس آغاز شده بود، به پشتوانه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی عصر جهانی شدن مرزهای ملی سوریه را درنوردید و ناآرامی‌ها نخست از سوی اکثریت عرب سنی که در اعتراض به حاکمیت اقلیت علوی دست به اعتراض و آشوب زده بودند، خود را نشان داد و سپس در قالب تهدیدهای قومی از سوی اقلیت‌های قومی ساکن این کشور، به‌ویژه کردها نمود یافت. در نهایت در ۱۹ ژوئیه، در سه استان حصکاء، کوبانی و عفرین از طرف PYD^۱ در چارچوب تئوری دموکراتیک کنفدرالیسم عبدالله اوجلان خودمختاری دموکرات کردها اعلام شد که نقطه عطفی هم در تاریخ جنبش‌های سیاسی کردها و هم در ادبیات سیاسی دنیا بود (Hur, 2014: <http://www.radikal.com>).

۲.۴. تشدید تنش‌های سیاسی - قومی

بی‌گمان از جنبه‌های مختلف باید قومیت را یکی از برجسته‌ترین مسائل جهان در اواخر سده بیستم و سال‌های آغازین سده بیست‌ویکم به‌شمار آورد. منابع آماری مختلف نشان می‌دهند که امروزه بیش از ۸۰ درصد کشورهای عضو سازمان ملل متحد دارای تنوع و تکثر قومی‌اند و بیش از دو یا چند اجتماع قومی را در برمی‌گیرند. این اجتماع‌ها همواره به‌صورت مسالمت‌آمیز یا خشونت‌بار برای سیطره یافتن (به دست گرفتن دستگاه حکومت)، کسب استقلال و خودمختاری یا ادغام در جامعه برای دستیابی به موقعیت بهتر با یکدیگر رقابت می‌کنند. تقریباً نیمی از تنش‌های قومی از سال ۱۹۸۹م به این سو که پایان جنگ سرد و آغاز به اصطلاح نظم جهانی جدید بود آغاز شده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۴). این سال‌ها دقیقاً زمان شروع فرایند جهانی شدن و تسریع امواج آن در همه ابعاد بود. برای درک بهتر این موضوع که جهانی شدن چگونه به تشدید تنش‌های سیاسی - قومی منجر شده است، نخست باید به ویژگی‌های این فرایند که این جریان‌ات (تنش‌های قومی) را در سطح جهان تشدید کرده است، اشاره کرد.

جهانی شدن از سه طریق رشد جنبش‌های قومی را در پی دارد. در وهله اول، جهانی شدن موجب افول حاکمیت و توانایی دولت‌ها می‌شود. از سوی دیگر روابط فراملی موجود، امکان پیشبرد اهداف و خواسته‌ها را به جنبش‌های قومی می‌دهد و در مقابل امکان سرکوب سریع یا خشن آنها از سوی دولت را دشوار می‌سازد. برای مثال جنبش زاپاتیست‌ها^۱ با استفاده از این روابط به سرعت خود را به جنبش جهانی تبدیل کرد. همچنین برخی پیامدهای جهانی شدن موجب تشدید حساسیت قومی می‌شود. برای مثال جنبش بومیان هاوایی از حساسیت نسبت به تخریب جنگل‌های آمازون آغاز شد (آرت شولت، ۲۱۰: ۱۳۸۰).

با شروع جهانی شدن که متعاقب فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تقسیم آن به پانزده کشور مجزا بود، بالکانیزاسیون دوباره بازگشت و با پایان سلطه روس‌ها بر سیاست و فرهنگ اقوام مختلف اروپای شرقی خواست و گرایش‌های فرهنگی سرکوب‌شده بار دیگر آشکار شد و بسیج سیاسی مبتنی بر خودآگاهی فرهنگی - قومی سرتاسر این منطقه را فراگرفت. یوگسلاوی فاقد یک گروه قومی دارای اکثریت بود، فروپاشید و چهار جمهوری جدید اسلوونی، کرواسی، بوسنی هرزگوین و مقدونیه اعلام استقلال کردند، البته این خاص‌گرایی در برخی موارد (مانند بوسنی هرزگوین) بسیار خشونت‌بار بود (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۷۳). این واقعه تلخ حاکی از آن بود که جنگ سرد و هژمونی ایدئولوژی‌ها تنها توانسته بود برای مدتی محدود مانع وقوع این نزاع‌ها شود.

۱. Zapatista، جنبش بومیان مکزیک در اعتراض به پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی میان ایالات متحده، کانادا و مکزیک. ر.ک: کاستلز، ۱۳۸۹، جامعه شبکه‌ای اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد دو قدرت و هویت).

در خاورمیانه نیز جهانی شدن و مسئله اقوام از آنرو اهمیت می‌یابد که روزبه‌روز بر میزان تنش‌های قومی در این منطقه اضافه می‌شود. ساختار پیچیده قومی این منطقه در کنار ساختگی بودن مرز غالب کشورها بدون در نظر گرفتن ترکیب قومی موجود، با شروع فرایند جهانی شدن، مسئله تنش‌های قومی را به بزرگ‌ترین چالش این منطقه تبدیل کرده است. براساس مطالعات نویسندگان این پژوهش تشدید تنش‌های قومی در خاورمیانه به‌ویژه در سه کشور ترکیه، عراق و سوریه که نمونه موردی مطالعات این پژوهش هستند، به‌وضوح مشخص است. در ترکیه پس از دهه هشتاد حزبی به نام حزب کارگران کردستان ترکیه که تاکنون ناشناخته مانده بود، در مناطق شرقی ترکیه علیه نیروهای نظامی ترکیه دست به عملیات نظامی و کمین‌گذاری کرد. P.K.K «حزب کارگران کردستان ترکیه» به‌عنوان نماینده حرکت رادیکالی کردها از ۱۹۸۰م، به مدت دو دهه سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه را تحت‌الشعاع قرار داد و به کشته شدن بیش از ۳۵ هزار نظامی و غیرنظامی منجر شد (چگنی‌زاده و آتارتمر، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

در سوریه نیز نمونه بارز تشدید تنش‌های قومی در سال ۲۰۰۴م در حاشیه مسابقه فوتبال در شهر کردنشین قامیشلی که بین هواداران دو تیم که یکی عرب و دیگری کرد بود رخ داد و به کشته شدن ده‌ها کرد و دستگیری دو هزار کرد از سوی نیروی امنیتی به‌دلیل اعتراضات کردها به وضع موجود منجر شد (Hur, 2014: <http://www.radikl.com>). علاوه‌بر این در پی ناآرامی‌های اخیر در جهان عرب که پس از وقوع بهار عربی در تونس ۲۰۱۱م، یک سال بعد به سوریه نیز راه یافت، تنش‌های قومی در عریان‌ترین حالت، خود را به معرض دید جهانیان گذاشت که طی آن گروه‌های مختلف قومی و مذهبی کرد، عرب، ترکمن، سنی، علوی، مسیحی و ... دست به اقدامات متقابل علیه یکدیگر زدند که حاصل این تنش‌های خونین کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر در سوریه از سال ۲۰۱۱م، به بعد است. در عراق نیز که امروزه با درگیری‌های خونین قومی و مذهبی دست به گریبان است، تنها در سال ۲۰۱۴م، ۱۵ هزار نفر کشته شده‌اند، که اغلب این کشته‌شدگان را شهروندان تشکیل می‌دهند (پایگاه بین‌المللی همکاری خبری شیعه، ۲۰۱۴ <http://www.afghanistan.shafaqna.com>).

۳.۴. هژمونی فرهنگی

یکی از معانی معضلساز در جهانی شدن، غربی شدن یا غربی کردن است که با واکنش در کشورهای خاورمیانه مواجه شده است (کچویان، ۱۳۸۶: ۶۵). هرچند جهانی شدن در کنار ترویج فرهنگ عام جهانی، با توجه به ابزار ارتباطی که در اختیار مخاطبانش قرار می‌دهد، به ترویج خرده‌فرهنگ‌ها و خاص‌گرایی‌های فرهنگی نیز کمک می‌کند، با توجه به اینکه مدرنیته و متعاقب آن جهانی شدن خاستگاه غربی دارند، اغلب جریان‌های فرهنگی در کشورهای مرکز یا

غربی، زیر نظر آنها تولید و صادر می‌شوند، و در جهان اطراف نفوذ می‌کنند، تصاویر، کلمات، ارزش‌های اخلاقی، ضوابط قضایی، قوانین اساسی و ملاک‌های صلاحیت به‌وسیله رسانه از غرب به‌سوی شرق یا جهان سوم سرازیر می‌شوند (شیرودی، ۱۳۸۶: ۳۹).

جهانی شدن در نگاه رهبران این مناطق همچون تهدیدی تلقی می‌شود که در راستای استیلای فرهنگ غرب بر دیگر ملت‌هاست و نیاز به حفظ فرهنگ محلی از امواج بی‌امان جهانی شدن حس اضطراری بر صاحبان این دیدگاه‌ها می‌دهد.

لگرین، توصیف جالبی از دیدگاه این افراد دارد: «وحشت از اینکه جهانی شدن دارد یک همسانی فرهنگی مرگبار را تحمیل می‌کند، همه جا حاضر است، همین طور که کوکاکولا، مک دونالد، میکی ماوس^۲ و موسیقی هاوس^۳ همه جا حضور دارند. اروپاییان، آمریکایی‌های لاتین، چپ و راست، ثروتمند و فقیر، همه آنها از این وحشت دارند که فرهنگ‌های محلی و هویت‌های ملی در دل فرهنگ مصرف‌گرا و گونه‌های شیوه زیست آمریکایی جذب می‌شوند. گفته می‌شود این امپریالیسم فرهنگی ارزش‌ها و همچنین فرآورده‌های آمریکایی را تحمیل می‌کند، تجارت را به بهای از دست رفتن اصالت ترقی می‌بخشد و رضایت‌مندی سطحی را جایگزین عمیق‌تر می‌سازد» (لگرین، ۱۳۸۳: ۴۲۳).

در خاورمیانه نیز همین وضعیت وجود دارد و چنانکه السعودی معتقد است: جهانی شدن با تمامی جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود در تمامی دنیا و در کشورهای خاورمیانه در حال پخش شدن است. از این‌رو امروزه برخی از متفکران خاورمیانه، جهانی شدن را تهدیدی بر هویت‌ها و فرهنگ‌های موجود در این منطقه می‌دانند. برای مثال عبدالله ترکی در رابطه با جهانی شدن به‌عنوان فرایندی که انسان را از فرهنگ و هویت خودشان جدا می‌کند و فلاکت را به تمام دنیا گسترش می‌دهد، هشدار می‌دهد (Alsoudi, n.d: 43). به هر حال جهانی شدن با تشدید یکپارچگی و ادغام جوامع ضمن تضعیف قدرت ملی دولت‌ها امکان تقویت گروه‌های قومی را سبب می‌شود و در کنار این عمل خود جهانی شدن با توجه به ترویج فرهنگ عام جهانی تهدیدی برای جوامع ملی و قومی موجود در خاورمیانه می‌شود. از این‌رو جوامع قومی که خود را در برابر تهدید جدید می‌بینند، دست به اقداماتی در راستای حفظ هویت خود می‌زنند. بدین ترتیب خاص‌گرایی‌های قومی متعددی را در این منطقه از سوی اقوام مختلف شاهدیم که به‌نوعی ضمن تلاش برای حفظ هویت خود تنش‌هایی را با قدرت‌های حاکم و سایر اقوام به نمایش گذاشته‌اند. چیزی که استیلای فرهنگی و ترویج یک فرهنگ عام را در خاورمیانه مهم می‌نماید، ریشه دیرین مدنیت در این منطقه و حفظ ساختار

1. McDonald
2. Mickey mouse
3. House music

سنتی در آن است که به نوعی در تمامی اقوام و مذاهب ساکن در این منطقه می‌توان این حفظ اصالت سنتی را مشاهده کرد. طبیعتاً اقوامی که سال‌های طولانی برای حفظ ارزش‌های خود در برابر سیاست‌های ملی‌گرایانه و یکپارچه‌ساز دولت‌های حاکم جنگیده‌اند، به این راحتی دست از تلاش برای حفظ ارزش‌های فرهنگی خود نخواهند کشید.

از آنجا که در خاورمیانه و به ویژه در سه کشور ترکیه، عراق و سوریه تعاریف هویتی به شکل بیمارگونه‌ای شکل یافته است، در عصر جهانی شدن با توجه به اینکه از منظر فرهنگی، رسانه‌ها موجب آگاهی‌های هویتی شده‌اند، شاهد قدافراشتن دیگران هستیم؛ خرده‌هویت‌های قومی که به پشتوانه ده‌ها شبکه و کانال‌های بومی با خوانش‌های هویتی و قومیتی از ترکمان ائلی^۱ گرفته تا ده‌ها کانال تلویزیونی و رادیویی کردی مانند kurdistan tv, tishk tv, radio dohok, ... اغلب رویکرد هویت‌طلبانه دارند و در راستای حفظ و گسترش فرهنگ و هویت قومی در قبال هر عنصر تهدیدکننده‌ای فعالیت می‌کنند (فرکانس کانال‌های کردی، ۲۰۱۶: <http://www.satage.com/fa/list/KurdishChannels.php>).

نتیجه

کوزاکو یوشینو با بررسی جامعه ژاپن به این نتیجه دست رسید که جهانی شدن، هویت‌ها و تفاوت‌های قومی را تقویت می‌کند. این امر برای گروه‌های قومی ساکن در خاورمیانه و هر گروه قومی دیگری که توانسته است به نحو احسن از ابزار مدرن حاصل از جهانی شدن استفاده کند، به مراتب آثار درازدامن به جای گذاشته است. در واقع جهانی شدن بسان شمشیری دو لبه است که از طرفی در راستای حذف خرده‌فرهنگ‌ها و ترویج فرهنگ جهانی عمل می‌کند و از سوی دیگر با فراهم آوردن ابزار ارتباطی و اطلاعاتی شرایط را فراهم می‌آورد تا انرژی‌های قومی که در اعصار گذشته به طریق مختلف سرکوب شده‌اند، آزاد شوند. به این معنا چنانکه گیدنز تصریح داشته، جهانی شدن همزمان، عام‌گرایی و خاص‌گرایی را تشدید می‌کند.

با توجه به بررسی آثار محققان در حوزه جهانی شدن و پرداختن به تشدید خاص‌گرایی‌های قومی در پژوهش‌های این نظریه‌پردازان، مقاله حاضر در ذیل بررسی این فرایند در خاورمیانه برخی گزینه‌ها را برای نتایج و دستاوردها مدنظر قرار می‌دهد؛

فشرده‌گی فضا و زمان، حاصل پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و سهولت در امر یادگیری و اطلاعات، به کمرنگ شدن محدودیت‌های مرزی در راستای گسترش فرهنگ عام جهانی در عصر جهانی شدن منجر شده است و جهانی شدن در نتیجه کمرنگ شدن محدودیت‌های مرزی موجب تضعیف حاکمیت‌های ملی می‌شود. در نتیجه تضعیف حاکمیت ملی در عصر

جدید، شاهد تقویت خرده‌فرهنگ‌هایی تحت عنوان خاص‌گرایی‌های قومی هستیم. خاص‌گرایی‌های قومی در وهله اول، از طریق ابزار ارتباطی و اطلاعاتی عصر جهانی شدن، در مقابل ملی‌گرایی‌های حاکم تجهیز می‌شوند و در مرحله بعد این خاص‌گرایی‌ها خود را در مقابل گسترش فرهنگ عام جهانی یافته و به تشدید واکنش‌هایی در راستای حفظ هویت خود و مقاومت در برابر هژمونی فرهنگی این فرایند می‌پردازند. تجهیز خرده‌فرهنگ‌ها در کنار تضعیف حاکمیت ملی، موجب تشدید تنش‌های قومی می‌شود. در کشورهای خاورمیانه با توجه به ساختار پیچیده قومی و مذهبی آن، تضعیف حاکمیت ملی، تشدید تنش‌های قومی و هژمونی فرهنگی به‌راحتی قابل شناسایی است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۶). «واکاوی پدیده قوم‌گرایی در سپهر جهانی شدن، تجربه منطقه‌ای ایران، ترکیه و عراق»، فصلنامه سیاست داخلی، ۳، ۳۳-۹.
۲. استوری، جان (۱۳۸۸). «جهانی شدن و فرهنگ عام»، ترجمه حسین پاینده، مجموعه مقالات جهانی شدن، گردآورنده: سعیدرضا عاملی و دیگران، وزارت فرهنگ و ارشاد سازمان چاپ و انتشارات.
۳. اینس، مارتین (۱۳۸۴). گفت‌وگو‌هایی با مانوئل کاستلز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۴. بنایی، محسن و دیگران (۱۳۸۱). خودکاوی ملی در عصر جهانی شدن، تهران: قصیده‌سرا.
۵. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. چگینی‌زاده، غلامعلی و آثارتر، محمد (۱۳۸۸). «تحركات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۲: ۲۱۸-۱۸۵.
۷. رابرتسون، رولند (۱۳۸۸). «جهانی محلی شدن: زمان-فضا و همگونی و ناهمگونی»، ترجمه مراد فرهادپور، در مجموعه مقالات جهانی شدن، گردآورنده: سعیدرضا عاملی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد سازمان چاپ و انتشارات.
۸. زکریا، فرید (۱۳۹۳). جهان پیش رو؛ مناظره درباره جهان پس از آمریکا، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۹. شولت، یان آرت (۱۳۸۶). نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسچیان، تهران: نشر علمی فرهنگی.
۱۰. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۶). جهانی‌سازی در عرصه فرهنگ و سیاست، قم: انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۱۱. عبداللهی، محمد و قادرزاده، امید (۱۳۸۸). «هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۷: ۲۵-۱.
۱۲. قرلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۳). فلسفه سیاسی، تهران: رشد آموزش.
۱۳. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۱۴. کجویان، حسین (۱۳۸۶). نظریه‌های جهانی شدن، تهران: نشر نی.
۱۵. کمپ، جفری و هارکاوای، رابرت (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سید محمدحسین متین، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. گریفیتس، مارتین (۱۳۹۰). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۱۷. گل محمدی احمد (۱۳۸۱). تجدد جهانی شدن هویت فرهنگ، تهران: نشر نی.
۱۸. گوتتر، مایکل (۱۳۹۲). دایرةالمعارف سیاسی تاریخی کردستان، ترجمه هیوا مشرفی، دهوک (کردستان عراق): انتشارات دهوک.
۱۹. گیدنرآتونی و بردکارن (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

۲۰. لگرین، فلیپ (۱۳۸۳). جهان باز: واقعیت جهانی شدن، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران: اطلاعات.
۲۱. لورنس تامس، ادوارد (۱۳۶۹). خطرات لورنس عربستان، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: عطایی.
۲۲. محمد ابوریح، ابراهیم (۱۳۸۴). جهانی شدن: مسئولیت انسان معاصر، ترجمه سید اسحاق علوی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۳. محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین (۱۳۸۹). «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قومی‌گرایانه پیرامونی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱، ۱۴۸-۱۱۲.
۲۴. مرشدی‌زاد، علی (۱۳۷۹). «بقا یا زوال قومیت‌ها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات ملی، ۶، ۲۱۸-۱۹۷.
۲۵. مطهری، امان (۱۳۸۵). «جهانی شدن و تحول در جایگاه جنبش‌های قومی»، فصلنامه علوم اجتماعی: جامعه فردا، ۱، ۱۴۵-۱۷۸.
۲۶. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲). قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا شاه پهلوی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۷. مک‌دول، دیوید (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید.
۲۸. واعظی، محمود (۱۳۹۱). بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۹. هال، استوارت (۱۳۸۸). بومی و جهانی‌شدن و قومیت، ترجمه بهزاد برکت، در مجموعه مقالات جهانی شدن، گردآورنده: سعیدرضا عاملی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد سازمان چاپ و انتشارات.

ب) خارجی

30. Barber Barber (2010) "Jihad vs. Mc World" (in the Globalization Reader), ed by: Frank Lechner, London: Black well.
31. Ufuk Şimşek and İlgaz Selçuk (2007) "Küreselleşme ve Ulusal Kimlik", Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, Atatürk universitesi, n: 9(1), P.P:189-199.
32. Wunderlich. J. Uwe and Warrier Meera (2009) "A dictionary of globalization", publisher: Rutledge.
33. Yoshino kosaku (1992) "Cultural nationalism in contemporary Japan: a sociological enquiry", Rutledge, New York.

- سایت‌های اینترنتی

۳۴. پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه؛ شفقنا (۲۰۱۵). ۱۵ هزار نفر در عراق و ۷۶ هزار نفر در سوریه در سال ۲۰۱۴ کشته شدند، قابل دسترسی در آدرس: (<http://afghanistan.shafaqna.com/of-the-month/item/46057-15>)
۳۵. فرکانس کانال‌های کردی، ۲۰۱۶: (<http://www.satage.com/fa/list/KurdishChannels.php>).
36. Alsoudi Abdelmahdi (n.d) "Orta doğu ölkelerin kultur, Ekonomik ve siyasi etkisi", pdf, from: (<http://www.odevportali.com/ara/küreselleşmenin-etkisi>)
37. Hur ayse (2014) "selahaddin eyyubinin çocukları suriye kurtleri", from: (<http://www.Radikal.com>).
38. Mutlu Can (2007) "Kurds in Cyber space, On Politics, spring", 119-137, from: (<http://www.web.uvic.ca/~onpol/spring2007/3-Mutlu.pdf>).